بررسی نقوش بافته‌های بختیاری [۱]

دکتر ابوالقاسم دادور
دانشیار دانشکده هنر، دانشگاه الزهرا (س)
فرناز مؤذن
کارشناس ارشد پژوهش هنر

گلجام
فصلنامه
علمی پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۱۳
تابستان ۱۳۸۸

چکیده

عشـایر بختیاری گروهی از اجتماع محسوب می‌شوند که نوع زندگی‌شـان بی‌تردید در گذر زمان دسـتخوش تغییرات گوناگون شده اسـت، تغییراتی که ناگزیر ادامه خواهند داشـت. دسـت‌بافت‌های آنـان مجموعه‌ای از معدود دست‌ساخت‌های ایشان است که در طول سالیان متمادی باورها، اعتقادات و آنچه را که نسـل به نسل به آنها رسـیده در خود جای داده اسـت. تک‌تک تصاویر نقش بسته بر بافته‌ها به‌همراه شیوه‌های بافت به دختران بختیاری آموخته می‌شود و بر ملزومات زندگی آنان نقش می‌بنـدد. آنها با توجه به نیازهای‌شـان و با مواد اولیه‌ای که در دسـترس دارند، ضروری‌تریـن و کاربردی‌ترین وسایل خود را می‌بافند و در سرتاسر زندگی همراه خود نگه می‌دارند. این مقاله از طریق روش تحقیق پژوهشی تاریخی و توصیفی نگاشـته شـده است و هدف اصلی آن علاوه بر معرفی تک‌تک بافته‌ها، معرفی و ریشه‌یابی اسطوره‌ای برخی از نقوش نمادین نیز هست. چرا که با توجه به گسـترش دلالان بازارهای صنایع دستی و نفوذ آنـان در میان بختیاری‌ها، بیم آن می‌رود که نقوش مورد تقاضای بازار کم‌کم جای نقوش سـینه به سینه آموخته شده را بگیرد و اثری از آنها باقی نگذارد و یا حتی نفوذ وسایل و ابزار معمول شهری، ضرورت تولید بافته‌ها و به تبع آن ثبت نقوش اصیل را در میان این قوم از بین ببرد.

واژه‌هـای کلیـدی: نقوش، دسـت بافته‌ها، عشـایر بختیاری، اسطوره.

Archive of SID
www.SID.ir

مقدمه

عشـایر بختیاری مردمانی هسـتند کـه همچون دیگر عشـایر ایران پیشینهٔ تاریخی دقیق و مشخصی از آنان در دسـت نیست. آنان مردمانی هستند که امرار معاش و ماهیت زندگی‌شـان را طبیعت رقم می‌زند. مردمانی دام‌پرور و کوچ‌نشـین که برای یافتن اقلیم مناسـب‌تر مسیرهای طولانی را در میان کوه‌ها، صخره‌ها و رودها می‌پیماینـد. اکنون تنها در میان معـدود بختیاری‌های کوچ‌روی باقی‌مانده، می‌توان دسـت‌بافت‌های متنوعی بـا نقوش کهـن را یافت. ایـن رویداد قبـل از آنکه تأسف‌برانگیز باشـد، زنگ خطری است که ضرورت نـگاه دقیق به آنچه بافته شـده و تاکنون برجای مانده را می‌طلبد؛ چرا که با روند کنونی رویکرد عشـایر به یکجانشـینی بیـم آن می‌رود که با گـذر چندین دههٔ دیگر، اثری از نقوش به‌جای ماندهٔ هم‌عصر کهن‌ترین نگاره‌های تاریخی این سرزمین بر دست‌بافته‌ها، به‌جا نماند. شاهد این گفته تحقیق میدانی و مشاهداتی است که از زمستان ۱۳۷۹ تا زمستان ۱۳۸۲ جهت انجام این پژوهش صورت پذیرفته است.

پیشینهٔ تحقیق

«سـرزمین لرها مناطق وسـیعی را در جنوب و غرب کشـور دربرمی‌گیرد. طوایف مختلف لر در استان‌های لرسـتان، همـدان، فـارس، اصفهـان، چهارمحـال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد و خوزسـتان زندگی می‌کنند. بیشـترین تمرکز لرها در سـه استان لرستان، چهارمحـال و بختیاری و کهگیلویه اسـت» (تناولی، ۱۳۷۰، ۱۹).

«لرهای امروزی بازماندگان همان لرهای سـازندهٔ برنزهای لرسـتان در قرن‌هـای ۵ و ٦ قبل از میلادند. آنها از معـدود گروه‌های قومی‌اند که به مدت ۲ هزار سـال در سرزمین‌های بومی خود زندگی کرده و مانند کردها کاملاً ایرانی شناخته می‌شوند» (هال و لوچیک، ۱۳۷۷، ۲۲۸).

حدود قلمرو بختیاری

«حدود تقریبی قلمرو بختیاری از شـمال ازنا شـروع می‌شود، رودخانهٔ دز – یعنی حد غربی آن – تا نزدیک دزفول می‌رسد، سـپس از کنار غربی روستای کهنک واقع در حد شـرقی دزفول رد می‌شود و رو به جنوب از حدود غربی شـهرهای مسـجد سـلیمان و هفتکل می‌گـذرد و از جنوب رو به شـرق ادامه پیدا می‌کند، از سرچشـمهٔ رودخانهٔ خرسان به طرف شمال می‌آید و از حد شـرقی فارسـان می‌گذرد و از آنجا به طرف شـمال شـرقی امتداد می‌یابد و از حـد جنوبی داران هم می‌گذرد و به‌طور مسـتقیم به ازنا وصل می‌شود» (کریمی، ۱۳٦۸، ۱۳٦).

بافته‌های عشایر بختیاری

در زمینهٔ اشتغال افراد ایل می‌توان به ضرورت دستیابی آنها به ملزوماتی سـبک و به‌راحتی قابل حمل اشـاره کرد. این درحالی است که مادهٔ اولیهٔ بافته‌ها نیز از دام‌ها

گلجام
فصلنامه علمی پژوهشی انجمن علمی فرش ایران
شماره ۱۳
تابستان ۱۳۸۸

Archive of SID
www.SID.ir

به‌دست می‌آید و برای بافنده بهایی گزاف ندارد. اما در صورت تولید و ارائه به بازارهای مصرف می‌تواند بسیار سودآور باشد. چگونگی تولید آثار بافندگی و تحقیق در مورد چگونگی نقش بستن نقوش بر بافته‌ها به همراه دیگر جزئیات این آثار، زمینهٔ اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دهد.

با اهلی کردن گاو و گوسفند و بز در هشت تا شش هزار سال قبل از میلاد به همت ساکنان مصر، آسیای میانه، چین و اروپا و اهلی نمودن بز و گوسفند در پنج تا چهار هزار سال قبل از میلاد به‌دست مردم سیلک کاشان، به‌تدریج دامداری رواج یافت و از آن پس پوست گوسفند به صورت تن‌پوش مورد استفاده قرار گرفت، ریسیدن پشم در میان قبایل بدوی گسترش یافت و بافت پارچه و زیراندازهای ساده و شبیه به گلیم‌های امروزی به‌صورت یکی دیگر از فعالیت‌های تولیدی بشر در آمد. می‌توان ادعا کرد که شروع گلیم‌بافی قبل از پیدایش پارچه‌بافی بوده و حدس زده می‌شود که هر دو صنعت از سبدبافی مایه گرفته باشند.

کارشناسان دریافته‌اند که گلیم در آغاز برای محافظت بدن از سرما به‌کار می‌رفته و تولیدات اولیه به‌صورت ساده و بدون هیچ‌گونه طرح و نقش منظم بافته می‌شده است. تنها در مواردی از پشم خودرنگ گوسفندان گونه‌ای طرح نامنظم و ابتدایی در آنها به‌وجود می‌آمده که این امر آغازی برای بافت آگاهانهٔ نقش‌ها و شکل‌ها و طرح‌های منظم بوده است. امروزه نیز هم در نوعی از گلیم که در منطقهٔ فارس تولید می‌شود (گلیم شتری) و هم در نوعی گلیم که در منطقهٔ فارس تولید می‌شود (گبه) از این شیوه استفاده می‌شود (یاوری، ۱۳٦۵، ۸۱).

پروفسور «پوپ» معتقد است: «زندگی ایلیاتی و چادرنشینی مردم آسیای میانه شرایطی را به‌وجود آورده بود که با رشتن و پیوستن الیاف، پشم‌بافته‌هایی به‌وجود آورند که برای مفرش سبک و ارزان باشند. با توجه به خصوصیات زندگی مردم و وسایلی که برای تهیهٔ فرش لازم است از یک سو و زمستان‌های سرد ارتفاعات فلات ایران که چادرنشینان و سکنه آن را مجبور به مدافعه با سرما می‌کرده از سوی دیگر، این حقیقت را می‌رساند که مهد پیدایش قالی‌بافی بین ایلات و چادرنشینان فلات ایران بوده و ذوق و قریحه همان مردم ساده در ایجاد نقش‌ها و رنگ‌های بدیع تأثیر قاطع داشته و به‌وسیلهٔ قبایل بیابانگرد و در طول زمان‌های متمادی تدریجاً این صنعت به شهرها رسیده است.» (یاوری، ۱۳٦۵، ۸٤-۸۳).

طبیعتاً قوم بختیاری نیز از این تحولات دور نمانده است. از سوی دیگر اشارات گوناگون مورخان به فرش‌بافی و نساجی در دوران ساسانی و توجه به قلمرو آنان وجود پیشینهٔ قوی بافندگی در منطقهٔ بختیاری را تأیید می‌کند. ایرانیان در آن زمان تجارت ابریشم بین چین و مغرب زمین را در اختیار داشتند. با مقایسهٔ نقوش می‌توان دریافت که تصاویر ذهنی بافندگان با دست‌مایه‌ای از زندگی به همراه دغدغه‌های

Archive of SID
www.SID.ir

همیشـــگی انسان، نقوشـــی نه چندان متفاوت در گذر زمان را به‌جای گذاشـــته است که البته کشف بسیاری از ظرایف آنها جز با پیش‌زمینه شـــناخت اساطیر میسر نخواهد بود.

ویژگی‌های بافته‌های عشایر بختیاری

بافندگی در میان عشـــایر بختیاری کاری بیشـــتر زنانه اســـت که تمام مراحـــل آن را زنان و دختـــران انجام می‌دهند و مردان در تولید آن هیچ نقشی ندارند.

نقوشـــی که برای تزئین و آرایش این بافته‌ها مورد اســـتفاده قـــرار می‌گیـــرد، کلاً ذهنی اســـت و در هیچ موردی بافندگان از نقشـــه استفاده نمی‌کنند مگر آنکه بر حسب تفنن یا سفارش، قصد تولید محصولی شبیه به فرآورده‌ای دیگر را داشته باشند.

فعالیت زنان و دختران در زمینهٔ بافندگی فصلی و غیردائم اســـت و آنها در زمان‌هایی خاص در سال، آن هم در ســـاعات فراغت از سایر امور مربوط به زندگی خانوادگـــی و ســـایر امور زندگـــی روزمره بـــه تولید می‌پردازنـــد و چون این کار را برای کســـب درآمدی انجـــام نمی‌دهنـــد، وقت و حوصله یکـــی از امتیازات کارشـــان اســـت و در کارشان ســـهل‌انگاری به چشم نمی‌خورد.

حتی‌الامکان از مواد اولیه‌ای که خود تولیدکنندهٔ آن هستند بهره می‌گیرند و فقط در موارد محدودی از نخ پنبه‌ای به عنوان تار بافته‌هایشان استفاده می‌کنند.

بافنـــدگان به هیچ‌وجه از الگو و مدل خاصی برای

تصویر ۱: وریس بافته‌ای نواری است که کاربردی مانند طناب دارد.
(مأخذ: نگارندگان)

Archive of SID
www.SID.ir

نقوش اســتفاده نمی‌کنند و در رنگ‌بندی از ذهن خود الهام می‌گیرند، به‌همین دلیل عدم تشــابه و ناهمانندی جزء امتیازات تولیداتشــان محســوب می‌شود و کمتر اتفاق می‌افتــد که بافنده‌ای دو یــا چند محصول یک اندازه و یک نقش با رنگ واحد تولید کند.

تکنیک‌های بافته‌های عشایر بختیاری

تکنیک‌های بافت عشایر بختیاری را به لحاظ نوع ابزار به‌کار گرفته شــده برای بافت می‌توان به دو قســمت تقسیم کرد:

۱. تکنیک‌هــای بافــت بــا صفحــات چرمی (دوال)

۲. تکنیک‌های بافت به وسیلهٔ دار (تم‌دار)

– بافت به وسیلهٔ دوال (مربع‌های چرمی)

نخست مربع‌هایی از پوست محکم گاو که به آن دوال یا دیوال گفته می‌شود و دارای اضلاعی ٦ در ٦ سانتیمتری اســت به‌کار گرفته می‌شــود، درحالی‌که هر گوشه یک سوراخ دارد. از هر سوراخ این صفحات یک نخ تار که عموماً از جنس پشــم یا مو است می‌گذرد. نخ‌های تار بین دو میخ چوبی چله‌کشی می‌شود و نخ‌های پود را از میان آنها می‌گذرانند. نخ پود توسط یک کاردک چوبی به نام چپت که به طول ۳۰ سانتی‌متر از چوب تراشیده شده فشرده می‌شود. چرخش صفحات چرمی به میزان یــک چهارم دور در جهت عمودی یــک گام از کار را آماده می‌کند. با این بافت نوعی نوار به نام وریس بافته می‌شود. (تصویر ۱)

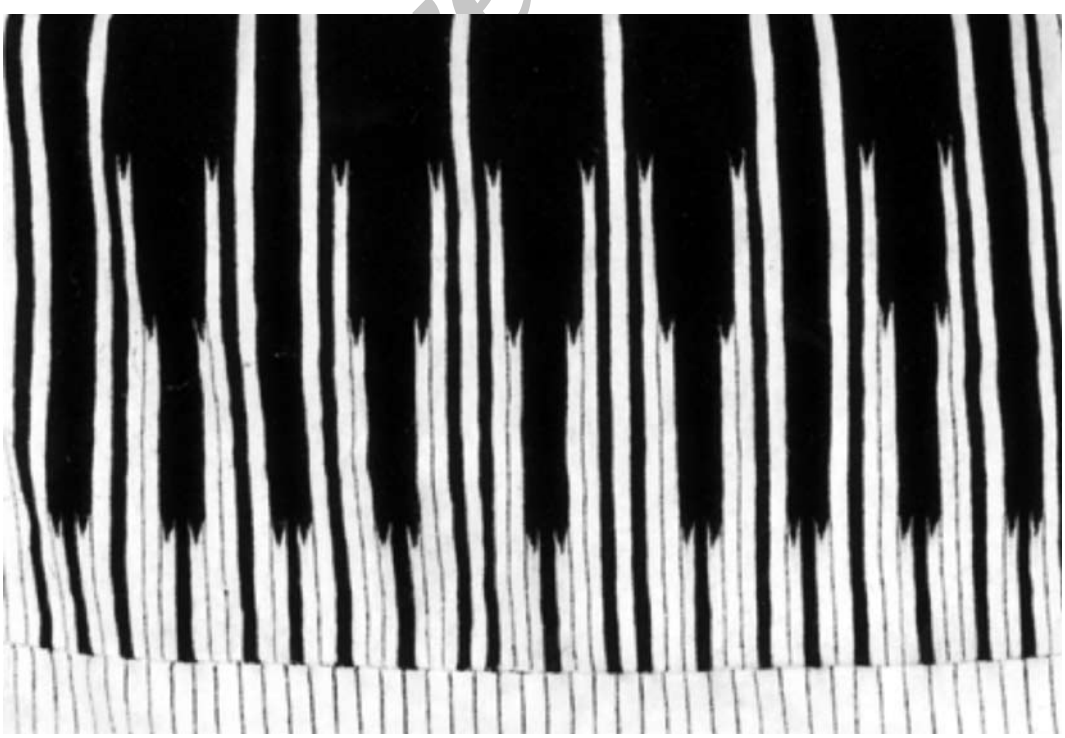

تصویر ۲: چوقا، پوشش مردانه بختیاری (مأخذ: نگارندگان)

Archive of SID
www.SID.ir

- بافت به وسیلهٔ دار (تم‌دار)

دار دستگاه بافندگی بزرگی است که حالت افقی دارد و با اندک تغییری در بین همهٔ کوچ‌نشـینان خاورمیانه وجود دارد. این دسـتگاه ساده بوده و به راحتی باز و بسته می‌شـود و قابل حمل بودن آن با زندگی سفری مطابقت دارد. این دسـتگاه امـکان بافتن انواع بافته‌ها را دارد.

انواع بافت‌ها

انواع بافت‌ها عبارتند از: ساده باف، رندی و گندی.

- ساده باف (بافت ساده)

در ساده باف حاصل کار بافتی ساده مسطح و یکنواخت

تصویر ۳: تی‌یر یا نمکدان (مأخذ: نگارندگان)

است (بافت یک در میان). چوقا که نوعی لباس مردانه اسـت با تار و پودی از پشم با این بافت بافته می‌شود (تصویر۲). «لت» یا سـیاه‌چادر تار و پودی از موی بز دارد و با این بافت بافته می‌شود.

- بافت رندی

در این بافـت نقوش مختلف از طریـق یک پود گره خورده و به تارها که به‌صورت منظمی متناوب انتخاب می‌شوند (از هر ردیف یک یا دو تار) شکل می‌گیرند، پود نیز به‌منظور نگهداری به‌کار می‌رود.

- بافت گندی یا گره‌ای

هر گره (گند) دو رشـته تـار را در برمی‌گیرد. گره از نوع ترک اسـت. این گره با یک چاقوی دسته کوتاه به نام (رنجوک) بریده می‌شود. این گره برای بافت قالی به‌کار می‌رود.

معرفی بافته‌ها

- لـی یا سـرانداز: بافته‌ای اسـت که بر روی لـوازم چیده شـده بر روی سـکو یا (چل) انداخته می‌شود.
- موج: یا همان رختخواب پیچ.
- مفـرش: بافته‌ای صندوق‌ماننـد که در کوچ به‌کار می‌رود.
- هورژین: صندوقچـه‌ای که همه چیز درون آن جـای می‌گیـرد و هنگام کـوچ بر روی

Archive of SID
www.SID.ir

چهارپایان قرار می‌گیرد.

- هورژ: بافته‌ای است به شکل کیسه‌ای دو طرفه که از هر طرف به‌طور جداگانه قفل می‌شود و جزء دارایی‌های شخصی زنان محسوب می‌شود.
- مهده: جایگاهی برای وسایل زنان است و به شکل یک بالش کوچک در می‌آید.
- هورژ ترک: که کیسه‌ای دو طرفه برای لوازم شخصی مردان است و قفل و کلید می‌شود.
- هور: کیسه‌ای بافته شده از موی بز سیاه است که برای حمل حبوبات و غلات و آرد به‌کار می‌رود.
- شله: کیسه‌ای دو طرفه که تماماً از نخ بافته می‌شود و برای جابه‌جایی مشک و... به‌کار می‌رود.
- توبره: کیسه‌ای شبیه به کوله‌پشتی است که برای حمل مواد غذایی و ملزومات چوپانان به‌کار می‌رود (میر احمدی، ۱۳۶۹، ۱۱۱).
- تی‌یر: بافته‌ای است دارای دهانه‌ای نسبتاً تنگ متصل به حفره‌ای بازتر که برای نگهداری نمک به‌کار می‌رود (تناولی، ۱۳۷۰،۵۱). (تصویر ۳)
- پیش‌سینه: شیئی تزئینی از جنس پنبه و پشم که به دور گردن مادیان حلقه می‌شود.
- وریس: نواری بافته شده تسمه‌مانند با

تصویر ٤: سفره آردی (مأخذ: نگارندگان)

Archive of SID
www.SID.ir

عرض‌های مختلـف و کاربردهای مختلف، کاربرد طناب را در زندگی عشایر دارد.

- سـفره آردی: بافته‌ای است که معمولاً برای نگهـداری آرد و وسـائل پخت نـان به‌کار می‌رود. (تصویر٤)
- موجی چین: نوارهای بـدون دخالت دوال و چیت و فقط با دسـت از نخ پشمی بافته می‌شوند.
- آوارتهده: نوار تسمه‌مانندی است برای حمل گهوارهٔ نوزاد به هنگام کوچ به‌کار می‌رود.
- چوقا: بالاپوش راسته و بدون آستینی است که قد آن تا سر زانوست و جلوی آن سرتاسر باز اسـت و از پشم سـفید طبیعی و دارای خطوط عمودی آبی تیره و یا مشـکی است و با تکنیک سـاده‌باف بافته می‌شود و پشم آن بسـیار نازک و ظریف بافته می‌شود. گاه برای ظرافت و یکنواختی بیشـتر در هنگام پره‌گرداندن از سوراخی که روی ناخن بلند شست تعبیه شده گذرانده می‌شود.
- از دیگر بافته‌های عشـایر بختیاری می‌توان به قالی، خرسـک، جاجیم، جل، روزینی و بهون (سیاه چادر) نیز اشاره کرد.

تصویر ٥: پایهٔ برنزی لرستان ۸۰۰-٦۰۰ ق م.
(مأخذ: Opie, 1992)

معرفی نقوش بافته‌های بختیاری

هر نقش آمیزه‌ای از فرم‌ها و رنگ‌هاسـت که متأثر از طبیعت و باورهای بافنده در ذهن او آفریده می‌شـود و بـر بافته نقش می‌بنـدد. طبیعت زمینهٔ ناگسسـتنی زندگـی زن بختیـاری اسـت. او در طبیعت چشـم می‌گشاید، می‌بیند، سـفر می‌کند و در میان گیاهان به دنبال رنگ‌های متفـاوت می‌گردد. زنجیرهٔ قلل کوه‌ها را می‌بینـد و بـا تغییر رنگ آنها در هـر لحظه از روز همراه می‌شود. او می‌آموزد که نیازهایش را در طبیعت جسـتجو کنـد. گـردش در طبیعت ماهیـت زندگی آمیخته با سفر را برایش رقم می‌زند. رنگ‌های بهاری، تابسـتانی، پاییزی و زمستانی را برایش ظاهر می‌کند و به همراه باورهای نشأت گرفته از فرهنگ جامعه‌ای که به آن تعلق دارد و متأثر از اساطیر کهن که به او به ارث رسیده دست‌مایه‌ای برای بافته‌هایش می‌شود.

نقوش بافته‌ها

نقوش بافته‌ها به لحاظ موضوعی عبارتند از هندسـی، حیوانی، گیاهی، انسـانی و نقوش متأثر از اشیاء. لازم

گلجام
فصلنامه
علمی پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۱۳
تابستان ۱۳۸۸

Archive of SID
www.SID.ir

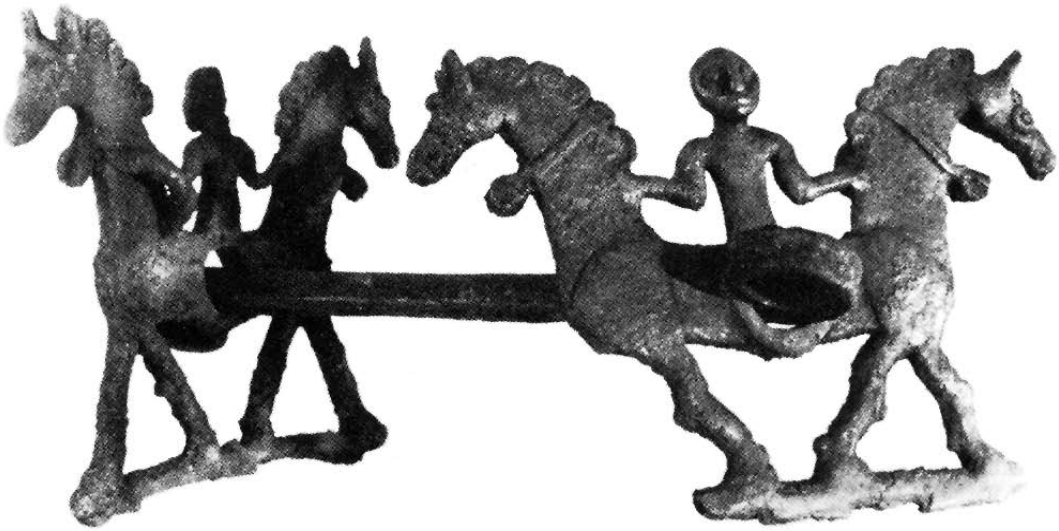

تصویر ٦: دهانه‌بند اسب برنزی لرستان ۸۰۰ ق م.
(مأخذ: Opie, 1992)

تصویر ۷: پایهٔ برنزی لرستان ۸۰۰ ق م.
(مأخذ: Ferrierthe, 1990)

www.SID.ir

به ذکر اســت هر دسته از نقوش، خود انواعی دیگر را در برمی‌گیرند.

نقــوش هندســی عبارتند از: تــک‌گل یا گل گرده (این نقش به‌صورت لوزی‌های توپر و یا اشکال دیگر جدا از هم آورده می‌شود)، گل پیکه (گل خالی)، نقش خشتی (خشــت گلی است که در قالب زده شده و به هر چیز مربع شــکل یا چهار گوش اطلاق می‌شــود)، موشــاییجو یا ماه شــاهی جان، گنات، شیر دنگ (این نقش از مثلث‌های قائم‌الزاویه تشکیل شده است که از وتــر روبروی هم قرار گرفته‌اند)، بند خانی (گل چهار تیه به معنای چهار چشم که آن را نماد هوشیاری برای مراقبت همه‌جانبه از زندگی عشــایری در برابر شرایط اقلیمی می‌دانند)، گامسی سی (لوزی بزرگی که چهار لوزی کوچک را در خود جای داده است)، گاپیت (که مانند گامسی سی اســت با این تفاوت که در مرکز از چهار لوزی درهم پیچیده تشکیل شده است).

نقش نمادین

به نگاره‌ای که نمی‌تواند برداشــت مســتقیم از طبیعت باشــد و در نگاه اول غریبه و رمزآلود به‌نظر می‌رسد، رمزی یا نمادین گفته می‌شــود. اغلب نقوش بافته‌های معاصر قرن‌هاســت که سینه به سینه از نسلی به نسلی دیگر منتقــل می‌شــوند. بی‌آنکه بافندگان بــرای آنها توضیحی داشــته باشــند. بی‌شک بســیاری از نقوش

تصویر ۸: سر ستون تخت جمشید، حیوان دو سر ۵۰۰ ق م.
(مأخذ: Opie, 1992)

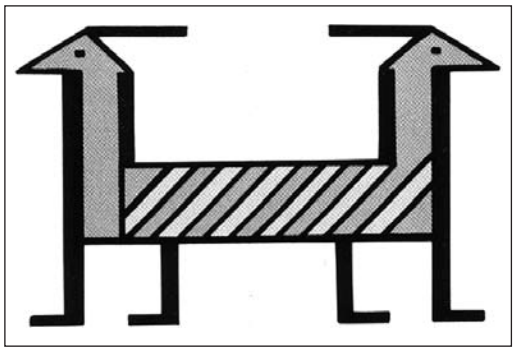

تصویر ۹: نگاره‌ای دو سر از یک نمکدان در نواحی زاگرس
(مأخذ: Opie, 1992)

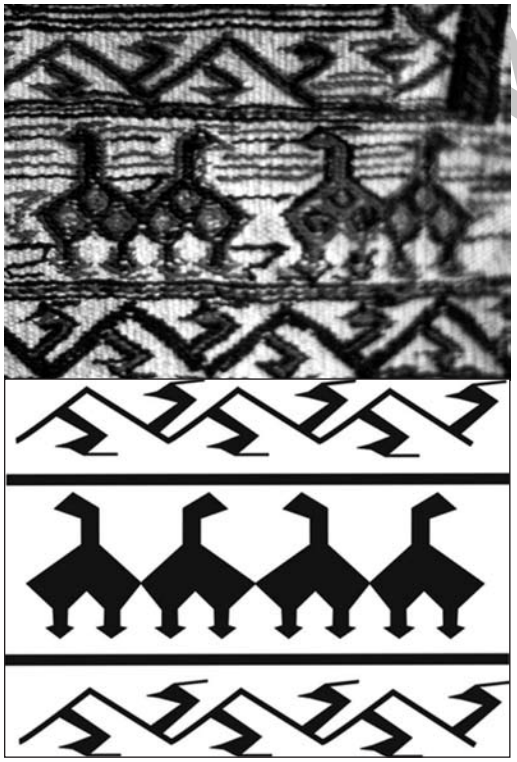

تصویر ۱۱: نگاره مرغی قوچکی
(مأخذ: نگارندگان)

گلجام
فصلنامه
علمی پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۱۳
تابستان ۱۳۸۸

Archive of SID
www.SID.ir

تصویر ۱۰: خورجین لر بختیاری
(مأخذ: Opie, 1992)

www.SID.ir

الهامـی تجریـدی از اجـزای طبیعت هسـتند که زن عشایری با ظرافت و زیبایی خاصی آن‌ها را بر بافته‌ها نقش می‌کند. اما بسـیاری از نقوش همچون حیوانات دو سـر توجیهـی در طبیعت ندارند. و ناگزیر ریشـهٔ آنها را باید در اسـاطیر و آیین‌های هزاره‌های پیشـین جستجو کرد.

نگارهٔ حیوان دو سر و مفهوم رمزی آن

آریایی‌های باسـتان به دو نوع نیروی متضاد راستی یا نظم و دروغ یا بی‌نظمی اعتقاد داشتند که دین زرتشتی اندیشـهٔ ثنویـت را از آن اتخاذ کرد و گسـترش داد. با توجه به اینکه سراسـر تاریخ صحنـه‌ای برای نبرد میـان خیر و شـر، تاریکی و روشـنی، مثبت و منفی، اهورامزدا و اهریمن و... بوده تمامی اشـیای دو سـر از مفرغ‌های لرسـتان (تصاویر ۵، ٦ و ۷) گرفته تا سر سـتون‌های تخت جمشـید (تصویر ۸) تجلی ثنویت

تصویر ۱۲: نقوش مرغی- قوچکی در یک بافتهٔ بختیاری
(مأخذ: نگارندگان)

بوده و نبرد میان هر نوع نیروی خیر و شـر را به ذهن متبادر می‌سازد. (یاحقی، ۱۳٦۹، ۱۹۸-۱۹۷). این معنا در نقوش دست‌بافته‌های بختیاری نیز مصداق می‌یابد. (تصاویر ۹ و ۱۰)

نگارهٔ مرغی قوچکی و مفهوم رمزی آن

یکی از نقوش قدیمی و رایجی که در اغلب گلیم‌های عشـایر بختیاری استفاده می‌شود نگاره‌ای است به نام (مرغی - قوچکی). (تصویر۱۱)

این نگاره به‌صورت‌های متنوعی از قبیل حاشـیهٔ ترنج و حاشـیهٔ دسـت‌بافته بافتـه می‌شـود و گاه نیز خود تشکیل یک ترنج را می‌دهد. این نگاره و نقوش مشابه به آن که هم می‌تواند سـر و گردن سـاده شـدهٔ مرغ باشد و هم سـر و گردن قوچ یا بز کوهی و شاید هم ترکیبـی از هر دوی آنها، در برخی مناطق «کله مرغی» و در بعضی دیگر «قوچی» نامیده می‌شود. شیوهٔ خاص آرایش این نگاره‌های پی در پی اغلب چنان اسـت که در فاصلهٔ میان دو نگارهٔ تیره‌رنگ، همان نگاره به رنگ روشن و در جهت معکوس نمایان می‌شود. کهن‌ترین نمونهٔ‌های این سـبک پر و خالی یـا مثبت و منفی که شـاید کهن‌ترین نقش‌مایهٔ سه‌گوشهٔ مرغی - قوچکی نیز باشـد بر جدار کاسه‌های سفالین نقش بسته که از آثار هزارهٔ چهارم پیش از میلاد از شهر باستانی پارسه یا پرسپولیس به ما رسیده است.

در بیشتر دست‌بافته‌های بختیاری و افشار سر مرغ و پرنده درست مانند سر اسب، قوچ و پازن به‌صورت

گلجام
فصلنامه
علمی پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۱۳
تابستان ۱۳۸۸

Archive of SID
www.SID.ir

ساده شدهٔ سه‌گوش متساوی‌الساقین ترسیم می‌شود. بیشتر نمونه‌های لری بختیاری شاخدار هستند (تصویر ۱۲). در برخی نمونه‌های بسیار کهن، تمام این سه‌گوش‌های پیدا و پنهان چشم دارند. خانم «فلیس اکرمن» عقیده دارد: «سفالگران پیش از تاریخ ایران دسته‌های پرندگان را به‌منظور تجسم ابر و در رابطه با مراسم مذهبی- جادویی برای آمدن باران نقاشی می‌کرده‌اند.» (پرهام، ۱۳۷۱، ٤،٥،٦، ۳۸۸).

تکرار پیاپی و بی‌وقفهٔ نگارهٔ مرغی قوچکی در اضلاع ترنج‌ها و لچک‌ها و بسیاری از نقش‌مایه‌های فرش‌بافی خاورمیانه، این احتمال را به میان می‌آورد که این شیوه نگاره‌سازی زنجیره‌ای بازماندهٔ نوعی

تصویر ۱۳: تکرار پیاپی و بی‌وقفه نگارهٔ مرغی- قوچکی بر بافتهٔ بختیاری
(مأخذ: Opie, 1992)

www.SID.ir

رمز طلسم‌گونهٔ دعای طلب باران و باران‌خواهی از زمان‌های بسیار دور و اعماق پیش از تاریخ باشد. (تصویر۱۳)

قوچ در هزارهٔ اول پیش از میلاد (تصویر ١٤) در نظام نجومی ایرانیان باستان نشانهٔ نقطهٔ اعتدال بهاری و آغاز فروردین ماه گشته و فراوانی نقش‌مایهٔ قوچ در هنرهای پیش از اسلام نیز به حکم اهمیت خاصی است که اعتدال بهاری در تمدن کشاورزی و شبانی آن روزگار داشته است.

نگارهٔ S مانند و مفهوم رمزی آن: یکی دیگر از نگاره‌هایی که در بافت گلیم‌های بسیاری از عشایر ایران مانند قشقایی‌ها، شاهسون و بلوچ و حتی قفقاز، آناتولی و بختیاری به‌چشم می‌خورد نگارهٔ (S) مانند است. برخی آن را ساده شدهٔ بز کوهی (تصاویر ۱۵ و ١٦) و برخی تجرید یافتهٔ اژدها می‌دانند.

تصویر ١٤: طلسم باران‌خواهی بر آبخوری‌های سفالین شوش، هزارهٔ چهارم ق.م.
(مأخذ: Stierlin, 2006)

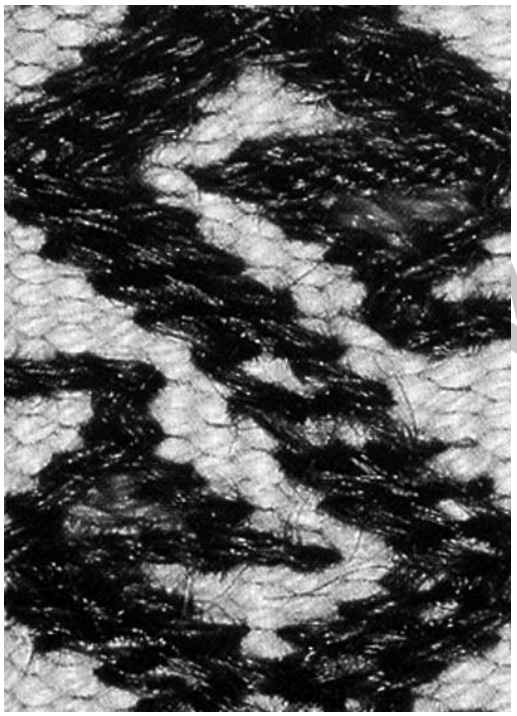

تصویر ۱۵: نقش S مانند بر بافته
(مأخذ: Opie, 1992)

تصویر ١٦: بز کوهی سفالینه تپه گیان نهاوند اوایل هزارهٔ سوم
(مأخذ: پرهام، ۱۳۷۰)

www.SID.ir

فرضیهٔ اول: صورت ساده شدهٔ بز

به حکم شـیوهٔ خاص پیچش و انحنـای تن و بدن و سـر و گردن بز کوهی در برخی از آثار باستانی به نظر می‌رسد مفهوم اسطوره‌ای داشته و شکل ساده شدهٔ بز کوهی (و صورتی دیگر از تجسم اساطیری ماه به منزلهٔ جایگاه برودت و رطوبت) باشد.

در بیشـتر بافته‌هـای سـوزنی لرهـای بختیـاری (رندی‌باف‌هـا) این نگاره با برآمدگی‌هایی به شـکل شـبیه (S) همراه است که می‌تواند نشان‌دهندهٔ پوزه و دم جانور باشـد. همچنین اشکال ساده‌تر و هندسی‌تر نیز نتیجهٔ فرایند همیشگی تجریدگرایی نقش‌مایه‌هاست که با گذشـت زمان به نهایت رسم هندسی و انتزاعی خویش رسیده‌اند (پرهام، ۱۳۷۱، ۳۶۱).

فرضیه دوم: صورت ساده شدهٔ اژدها

با توجه به آثار باسـتانی متعدد به‌دست آمده از مار یا اژدها و پیچش S گونهٔ بدن این حیوانات بسـیاری آن را اژدها می‌دانند. شاید اژدها تنها یکی از صورت‌های گوناگونی باشـد که در قالب این نگاره ریخته شده و مربوط به زمانی باشد که نگارگری ایرانی از نگاره‌های چینی تأثیر می‌پذیرفت (سدهٔ ۵ هجری). بز و اژدها هر دو مفهوم نمادین دارند.

نگارهٔ مرغان سه‌پای شاخدار

یکـی دیگر از نقوش رمزی که گاهـی پراکنده و گاهی به‌صورت یک نوار افقی در حاشـیه‌ها به‌کار رفته، نگارهٔ مرغان سـه پای شاخدار است. (تصویر ۱۷) رمز سه‌پا و

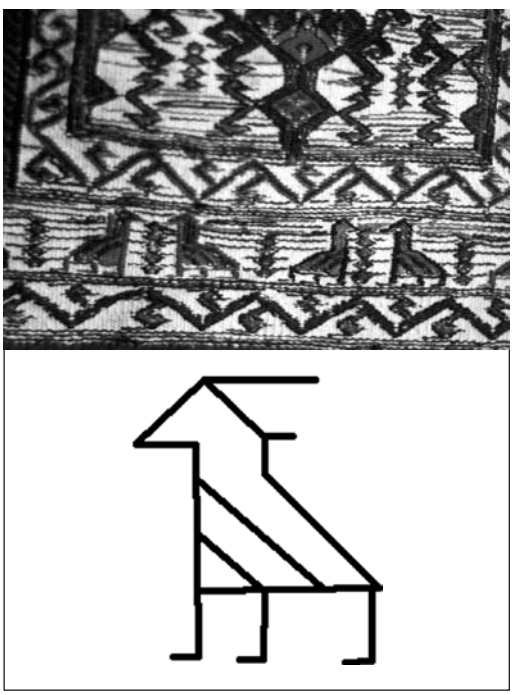

تصویر ۱۷: مرغان سه پای شاخدار بر نمکدان بختیاری
(مأخذ: نگارندگان)

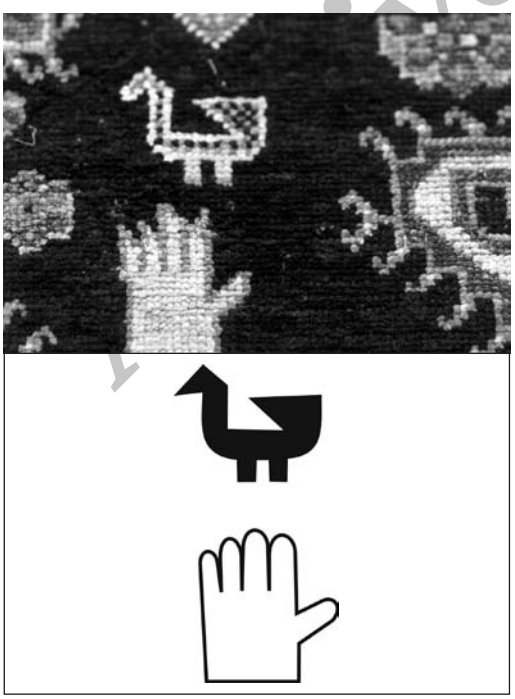

تصویر ۱۸: نقش طاووس بر قالی یکصد ساله بختیاری
(مأخذ: نگارندگان)

Archive of SID
www.SID.ir

پای اضافه را می‌توان در اساطیر سکایی جست که بر اندیشهٔ یکی شدن اندام دو حیوان مقدس (غالباً مرغ و اسب یا پرنده و پازن) استوار شده است. آنها اجزای یک جانور ستوده و نیک‌شگون را با اجزای حیوان ستودهٔ دیگری ترکیب و تلفیق می‌کرده‌اند (اسب بالدار و گاو بالدار). چنین است که پرندهٔ پیک باران به کالبد خروس خوش‌یمن یا مرغ درمی‌آید و با اسب، یکی از ارکان ارزشمند کوچ، یکی می‌شود. در اساطیر، اسب از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (پرهام، ۱۳۷۱، ۲۴۳ و ۲۴۶).

گوزن

گوزن برای اقوام هند و اروپایی مقدس بوده و در هنر آنها نشان داده شده است. گوزن صورتی از آنو (Anu) خدای آسمانی بین‌النهرین و سرنوس (Cerunnos) خدای حامی شکارچیان نزد قوم سلت بود که معمولاً به‌صورت آدمی با شاخ گوزن نشان داده می‌شد (هال،۱۳۸۰، ۹۱). «معنای سمبلیک گوزن نر، چالاکی و خوش اندامی و گوزن ماده سپیده دم، سرعت، قدم‌های ثابت و موزونی اندام می‌باشد.» (جابز، ۱۳۷۰، ۱۲۰و ۱۲۱).

اگرچه امروزه این حیوان در ایران دیده نمی‌شود اما وجود نقش آن بر آثار برنزی به‌دست آمده از لرستان و آثار عصر ساسانی نشان‌دهندهٔ وفور آن در ایران بوده است. این گوزن الگوی بافندگان عصر هخامنشی نیز بوده است.

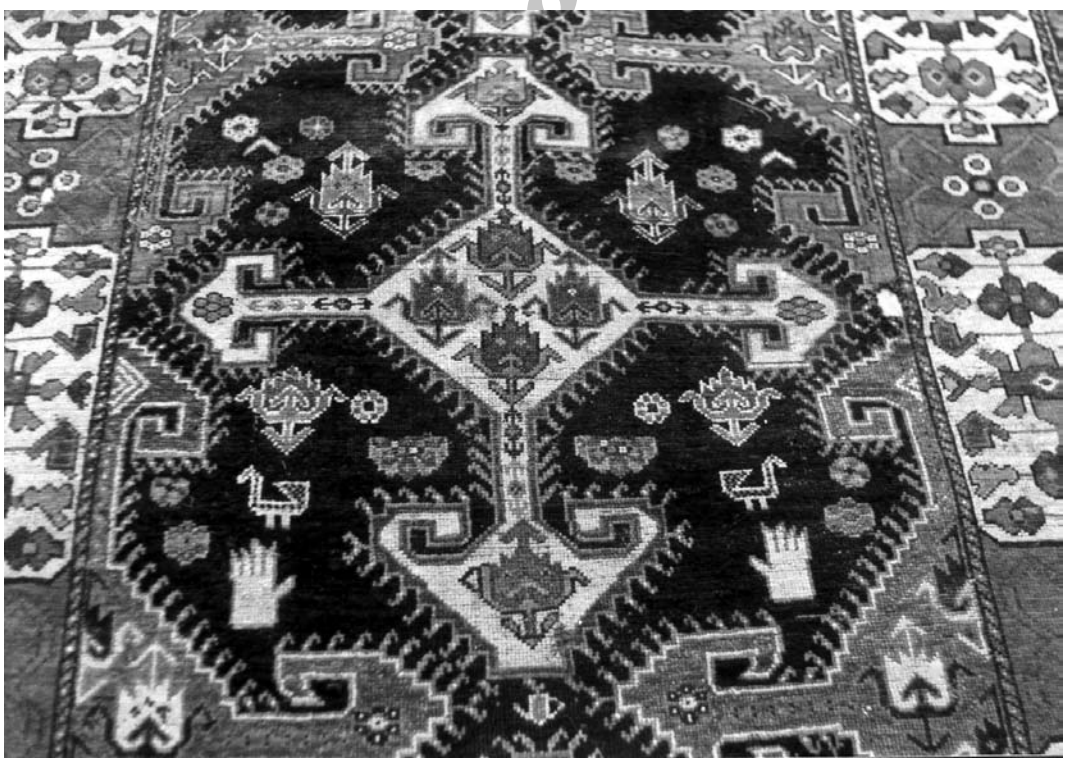

تصویر ۱۹: سواستیکا بر فرش بختیاری
(مأخذ: نگارندگان)

Archive of SID
www.SID.ir

نمونهٔ واضح آن در قالی معروف پازیریک دیده می‌شود و همچنین در جل اسب لرها قابل مشاهده است.

بز، بز کوهی (پازن)

این حیوان در باورهای قومی و اساطیری اصل مذکر و سمبل قدرت باروری به‌شمار می‌رود، دهمین علامت از منطقه بروج و یکی از صورت‌های فلکی در آسمان شمالی است. مردم میان شاخ‌های خمیده و هلال ماه ارتباطی متصور بودند. ماه از قدیم با باران مربوط بوده و خورشید با گرما و خشکسالی. بنابراین همواره قرص ماه در میان هلال شاخ‌ها همچون مخزن آب به تصویر کشیده می‌شد (پوپ، ۱۳۸۰، ۱۵).

«اصولاً شاخ مظهر نیروی فوق طبیعی، الوهیت، سلطنت، قدرت، پیروزی، فراوانی گله و محصول و زاد و ولد و باروری است. همچنین مظهر نیروی جان یا اصل حیاتی است که از سر برمی‌خیزد. از این‌رو شاخ‌های روی کلاه‌خود یا سرپوش نیرویی مضاعف می‌بخشند.» (کوپر، ۱۳۷۵، ص۲۱۸).

بز در برنزهای لرستان و نقش بز به‌همراه نقوش دیگر بر بافته‌های بختیاری دیده می‌شود. (تصویر ۱۲)

طاووس

معنای سمبلیک این حیوان، تزئینات تجملی، تکبر، جلال و شکوه، خودبینی، رستاخیز، زندگی توأم با عشق، زندگی درباری، زیبایی، سلطنت، مقام و شهرت، غرور دنیوی، فناناپذیری و مورد ستایش همگان بودن است. در باورهای قومی و اساطیری طاووس نابودکنندهٔ مار است. و آن را عامل حاصلخیزی دانسته‌اند. نفرین و سوگندهای کفرآمیز به این پرنده یاد می‌شده است (جابز، ۱۳۷۰، ۷۹، ۸۰). نقش طاووس بسیار محدود بر برخی بافته‌های بختیاری از جمله قالی دیده می‌شود. (تصویر ۱۸)

درخت سرو

سرو را می‌توان درخت مقدس و مظهر رمزی مذهبی و نشانه‌ای نمادین از خرمی و همیشه بهاری و مردانگی دانست. در سنگ نگاره‌های تخت جمشید همان یگانه درخت است و در تراش آن دقت، ظرافت و ریزه‌کاری‌های کم‌نظیر دیده می‌شود. به حکم فراوانی نگاره‌های سروی در قالی‌بافی ایل بختیاری و طوایفی از لرهای فارس، علی‌رغم از میان رفتن دست‌بافت‌های لری عهد باستان، منزلت آن همچنان مستدام و برقرار می‌ماند (پرهام، ۱۳۷۱، ۲۰۸). این نقش بر قالی‌های خشتی منطقه چهار محال و بختیاری همچنان نقش می‌بندد.

سواستیکا (Swastika)

خورشید آریایی یا گردونهٔ مهر یا گردونهٔ خورشید نام‌های دیگر نشانهٔ آسیایی معروف به «سواستیکا» هستند. این نشانه در هر منطقه معنایی خاص داشته مثلاً در هند آریایی مظهر و نشان خورشید بوده است. این علامت در دین مهر نشانهٔ اتفاق مردم چهار سوی جهان است که بعدها مسیحیت آن را گرفته، پایهٔ آن را کشیده و به تصویر صلیب درآورده است. این نقش گاه دو بازوی خود را از دست می‌دهد.

Archive of SID
www.SID.ir

مرکز این نشان نمادین مرکزیت و وحدانیت الهی است و همان گردونه‌ای است که مهر بر آن می‌نشیند و چهار اسب نامیرای مینوی آن را می‌کشند. این نقش با بازوهای قرینهٔ یکسان در متن قالی‌های بختیاری به‌کار می‌رود (تصویر ۱۹) و دیگر نقوش را دربرنمی‌گیرد و باز با کمی تغییر، کوچک و تک‌تک نیز در متن و همراه با دیگر نقوش بر نمکدان نقش می‌بندد (عبداللهیان، ۱۳۷۸، ۲).

نتیجه‌گیری

در هر فرهنگ نشانه‌هایی ویژه از مردمان آن فرهنگ را می‌توان یافت. نمادهای ویژهٔ مردم سرزمین بختیاری در دست‌بافته‌های زنان آنها متجلی شده است. طبیعت خارق‌العادهٔ سرزمین بختیاری به‌همراه دست‌بافته‌های این مردم معرّف آنها به سراسر دنیاست. ریشهٔ نمادهایی را که از دوران‌های دور بر دست‌بافته‌های آنان نقش می‌بندد می‌توان در اساطیر جستجو کرد. از آنجا که شناخت باورها، اعتقادات، آیین‌ها و اسطوره‌ها در هر کشور تحکیم‌بخش فرهنگ آن کشور محسوب می‌شوند، برای نیل به این مهم باید جستجو در همهٔ عناصر فرهنگی صورت گیرد. برای دریافت معانی نقوش اساطیری بافته‌ها می‌توان آنها را با نقوش برجا مانده از دوران‌های پیشین در آثار باستانی، سفالینه‌ها، ظروف فلزی و... مقایسه نمود.

به‌طورمثال در این زمینه می‌توان از حیوانات دو سر، نگارهٔ مرغی قوچکی، نقوش S مانند، مرغان سه‌پای شاخدار، سواستیکا و... نام برد. قدمت این نقوش بر بافته‌های عشایر بختیاری در تحقیقات میدانی و کتابخانه‌ای مشخص نشد و پرداختن به آن به‌تنهایی مستلزم پژوهشی جداگانه است، با این حال این نقوش با نقوش به‌کار رفته در دیگر آثار به‌جا مانده از دوره‌های پیشین مشابهت دارد و همین امر دستیابی به جایگاه اساطیری نقوش نمادین را ممکن می‌سازد.

متأسفانه به دلایل مختلف، این نقوش در حال از بین رفتن هستند. موارد زیر نمونه‌ای از مشکلاتی است که باعث شده بافت دست‌بافته‌های بختیاری رو به رکود برود:

- از بین رفتن مراتع و فروش دام‌ها که گرانی پشم را به‌عنوان نخستین مادهٔ اولیه در پی دارد.
- بی‌توجهی به گیاهان رنگزا، جایگزین شدن رنگ‌های مصنوعی به جای رنگ‌های طبیعی که منسوخ شدن رنگ‌های طبیعی را در پی خواهد داشت.
- ساکن شدن عشایر بختیاری و یا کوچ‌رو با وسایل نقلیه موتوری، ضرورت وجود برخی بافته‌ها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.
- وجود دلال‌ها و واسطه‌ها بافت‌های سفارشی را رواج می‌دهد و منسوخ شدن بافته‌های اصیل را در پی دارد.

کمبود امکانات رفاهی مهاجرت عشایر را در پی دارد. حمایت و بها دادن به فعالیت‌های مسئولان، متولیان فرهنگی و مردم علاقه‌مند در این زمینه ضروری به‌نظر می‌رسد، انجام تحقیقات علمی بیشتر و انعکاس نتایج آن، نیل به اهداف ملی و فرهنگی را در پی دارد.

Archive of SID
www.SID.ir

پی‌نوشت‌ها

۱. مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد فرناز مؤذن با عنوان *بررسی نقوش بافته‌های بختیاری* است که به راهنمایی دکتر ابوالقاسم دادور در دانشکده هنر دانشگاه الزهرا (س) دفاع شده است.

فهرست منابع

۱. ارانسکی، ای. ام. (۱۳۷۵) *مقدمه فقه‌اللغه ایرانی*، ترجمهٔ کریم کشاورز، چاپ اول، تهران: انتشارات پیام.

۲. امیر احمدی، بهرام (۱۳۶۹) «صنایع دستی در ایل بختیاری»، *فصلنامه عشایری*، شماره ۱۰، بهار.

۳. پوپ، آرتور اپهام (۱۳۸۰) *شاهکارهای هنر ایران*، اقتباس و نگارش دکتر پرویز ناتل خانلری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

٤. پرهام، سیروس (۱۳۷۱) *دست‌بافته‌های عشایری و روستایی فارس*، انتشارات امیر کبیر.

۵. تناولی، پرویز (۱۳۷۰) *نان و نمک*، تهران: کتابسرا.

٦. جابز، گرترود (۱۳۷۰) *سمبل‌ها (کتاب اول: جانوران)*، ترجمه و تألیف محمدرضا بقاپور، تهران: مترجم.

۷. عبداللهیان، بهناز (۱۳۷۸) «مفاهیم نمادهای مهر و ماه در سفالینه‌های پیش از تاریخ»، *فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه هنر*، شماره ۲.

۸. کریمی، اصغر (۱۳٦۸) *سفر به دیار بختیاری*، تهران: انتشارات فرهنگسرا.

۹. کوپر، جی. سی. (۱۳۷۵) *فرهنگ مصور نمادهای سنتی*، ترجمهٔ ملیحه کرباسیان، تهران: نشر فرشاد.

۱۰. گودرزی، حسین (۱۳۷٤) *سیمای عشایر شرق لرستان*، تهران: انتشارات ترسیم.

۱۱. هال، آلستر و لوچیک جوزه (۱۳۸۰) *گلیم*، ترجمهٔ شیرین همایون‌فر و نیلوفر الفت شایان، تهران: نشر کارنگ.

۱۲. هال، جیمز (۱۳۸۰) *فرهنگ نگارها در هنر شرق و غرب*، ترجمهٔ رقیه بهزادی، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.

۱۳. یاحقی، محمدجواد (۱۳٦۹) *فرهنگ اساطیر*، تهران: انتشارات سروش.

۱٤. یاوری، حسین (۱۳٦۵) *نساجی و بافت*، تهران: سازمان صنایع دستی ایران.

15. Ferrierthe, R.W. (1990) *Arts of Persia*.

16. Opie ,James (1992) *Tribal rugs*, Laurence King.

17. Stierlin, Henri (2006) *Splendors of Ancient Persia*.

Archive of SID
www.SID.ir